نقش پیامبری

حجت الاسلام سجاد کرمی
پژوهشگر و فعال در عرصهٔ تعلیم و تربیت

مدرسه کانون شکل‌دهی به هویت نسل‌هاست. این نهاد مقدس، به‌مثابهٔ یک کارخانهٔ انسان‌سازی، می‌تواند نقطهٔ عزیمت جامعه‌سازی و تمدن‌سازی باشد. نه‌تنها در ایران، بلکه در گوشه و کنار دنیا، هرجا تمدنی شکل گرفته، نظام تعلیم‌وتربیت نقش بسزایی در آن داشته است. در این کارزار، عناصر متعددی نقش‌آفرین‌اند که با قاطعیت می‌توان معلم را محوری‌ترین عنصر در شکل‌گیری هویت نسل‌ها و به تبع آن جامعه‌سازی و تمدن‌سازی دانست. بنابراین، بیراه نیست اگر هم‌نوا با **امام خمینی(ره)** بگوییم: «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند. نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیاد دارد» (امام خمینی ره، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

فرامتن‌های معلمی

ساده‌انگاری است اگر بپنداریم دانش‌آموز فقط مخاطب متن و درسی است که معلم در کلاس به او می‌آموزد و لاغیر. نه! چنین نیست که محصل، به‌خصوص در سنین پایین، فقط شنونده باشد. منصفانه‌تر این است که به معلم بگوییم کودک یا نوجوان، «بیش از آنکه از شما بشنود، در شما می‌بیند». شخصیت معلم، آگاهی‌های او، تکریم دانش‌آموز از سوی او، سبک زندگی او و حتی پوشش و ظاهر او گاهی بیش از متن درس برای دانش‌آموز پیام دارد. برای دانش‌آموز، تشخیص معلمی عاشق که به کسوت خود عشق می‌ورزد، از معلمی که نه عاشقانه، بلکه برای رفع تکلیف پا به کلاس درس می‌نهد، کار سختی نیست. اما قصه به همین تشخیص ختم نمی‌شود. دانش‌آموز در تعامل با آموزگار و معلم عاشق به‌تدریج می‌آموزد که باید از روی عشق و احساس تکلیف برای پرکردن خلأهای جامعه، به شغل آیندهٔ خود روی آورد. گاهی این معنا بدون آنکه معلم کلامی بر زبان بیاورد، از منش و حرارت بیان و سلوک حرفه‌ای او به دانش‌آموز الهام می‌شود و به او شخصیت و هویت می‌بخشد.

لوازم هویت‌بخشی معلم در مدرسه

اینکه معلم تا چه اندازه می‌تواند در اثرگذاری بر دانش‌آموز موفق باشد، به عواملی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها پذیرش معلم از سوی محصل است. دانش‌آموز باید معلم را به‌عنوان الگو، راهبر و راهنمای خود بپذیرد و به او اعتماد کند. این از لوازم هویت‌بخشی است که تحقق آن مستلزم توجه به چند نکته خواهد بود:

یکم: فهم نیاز فکری، روحی و عاطفی دانش‌آموز

به یقین، معلمان تیزبین در نگاه برخی دانش‌آموزان این فریاد را دریافته‌اند که «من را درک کن». کودکان و به‌خصوص نوجوانان بیش از همه از کسانی فاصله می‌گیرند که با دنیای آن‌ها بیگانه‌اند. بیگانه‌بودن با دنیای دانش‌آموز نه‌تنها او را به مقاومت در برابر آموخته‌ها و نکات تربیتی سوق می‌دهد، بلکه گاهی به مخالفت و ایجاد تنش در مواجهه با این رویکرد منجر می‌شود.

دوم: احترام به شخصیت، فکر، توانایی‌ها و هویت دانش‌آموز

تشخص از شاه‌کلیدهای هویت‌بخشی است. شخصیت کودک و نوجوان ابتدا باید محترم شمرده شود و سپس اگر لازم است شکل‌دهی شود. سخن او باید شنیده شود و طرز فکر او باید به رسمیت شناخته شود؛ حتی اگر به اصلاح نیاز دارد. داشته‌های او را باید ارج نهاد و به توانایی‌های او توجه کرد. در این صورت او احساس شخصیت می‌کند و نسبت به کسی که چنین ارزشی برای او قائل شده است، در او پذیرش ایجاد می‌شود.

سوم: ایجاد ارتباط عاطفی و دلسوزانه با دانش‌آموز

معلم هویت‌بخش برای دانش‌آموز یک رفیق دلسوز است. دانش‌آموز لازم است به این احساس دست یابد که معلمش نگران اوست. برای آیندهٔ او دغدغه دارد. از موفقیتش خوش‌حال می‌شود و شکست دانش‌آموز را شکست خود می‌داند. غم و غصهٔ دانش‌آموز معلم هویت‌بخش را بی‌تاب می‌کند و نشاط و شادابی او برای معلم خوشایند است. معلم هویت‌بخش با دانش‌آموز رفتار ربات‌گونه و خالی از عاطفه ندارد.

چهارم: التزام معلم

نباید این واقعیت مهم را نادیده گرفت که گویندهٔ سخن، اگر خود به آن ملتزم نباشد، ممکن است اثر سخن او از دل شنونده به سرعت رخت بربندد. معلمی را در نظر بگیرید که در ستایش نظم و وقت‌شناسی سخن‌ها براند، اما خود به آن ملتزم نباشد. این شرایط اگر موجب بی‌اعتنایی دانش‌آموزان به مقولهٔ نظم نشود، در حالت خوش‌بینانه‌اش، معلم را در ذهن آن‌ها بی‌اعتبار می‌کند.

چند راهکار

طبیعی است، سخن گفتن از اهمیت و ضرورت موضوعات یا انتقاد از وضع موجود، به مراتب آسان‌تر از ارائهٔ راهکار است. معلم دغدغه‌مندی که تکلیف سنگین هویت‌بخشی را روی دوش خود

احساس می‌کند، طبعاً پرسشگری خواهد کرد که چگونه می‌توانم به معلمی هویت‌بخش تبدیل شـــوم و راهکارهای هویت‌بخشی چیست؟ واقعیت آن است که برای هویت‌بخشی به سنین و اقشار گوناگون در دو جنس زن و مرد، راهکارهای متعددی وجود دارند که بخشـــی از آن‌ها را می‌توان به‌عنـــوان راهکارها و توصیه‌های مشـــترک و قابل‌تطبیق برای همه ذکر کرد. بر این اساس، برای مواجههٔ بهتر معلمان با دانش‌آموزان، ناظر به رسالت هویتی آن‌ها، به اجمال توصیه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

۱. تا می‌توانید به او عقلانیت و آگاهی تزریق کنید

آگاهی از کلیدی‌ترین عناصر هویتی است. جامعهٔ آگاه و متفکر گرفتار تلاطم‌های مخرب نمی‌شود، تحت‌تأثیر اغواگری شیاطین به انحراف نمی‌رود، مســـیر رشد خود را می‌یابد و در آن به حرکت درمی‌آید. انسان‌های آگاه ســـتم‌ناپذیرند و مطالبه‌گر. حقوق خود و دیگران را می‌شناســـند. مبانی و ارزش‌ها را می‌شناسند. گرفتار شبهات و شایعات نمی‌شوند و در فضای غبارآلود، سره را از ناسره تشخیص می‌دهند. اساسی‌ترین حربهٔ شیطان برای بر زمین‌زدن انســـان، نگه داشتن او در جهل، غفلت، ناآگاهی و بی‌خبری است. واضح است، آگاهی و عقلانیت با دانش و اطلاعات تفاوت دارد و چه بســـا انسان‌های واجد دانش و مدرک و اطلاعات که طرفی از عقلانیت و آگاهی نبسته‌اند.

۲. استعداد او را بشناسید و جهت‌دهی کنید

یکی از عوامل ســـرگردانی و بحران هویت در جوامع، هدررفتن استعدادهای آن‌هاست. افرادی که به استعداد خود واقف‌اند و برای شـــکوفایی آن تلاش می‌کنند، در زندگی واجد هدف و چشم‌انداز روشن و برنامهٔ دقیق برای رسیدن به آن هستند و بخشی از هویت آن‌ها شکل گرفته است. مدرسه و معلم می‌تواند بخشی از رسالت خود را در هویت‌بخشـــی، در فرایند کشـــف و جهت‌دهی استعداد دانش‌آموز جست‌وجو کند. نکتهٔ مهم در اینجا آن است که صرف کشـــف و تقویت استعداد، هویت‌بخش نیست، بلکه جهت‌دهی و اســـتخدام آن در جهت اهداف والای الهی و انسانی و چشم‌انداز کلان جامعه است که به صاحبان استعداد هویت می‌بخشد.

۳. او را از داشته‌هایش آگاه کنید

جامعه با آگاهی از داشته‌هایش احساس هویت و اعتمادبه‌نفس می‌کند. گاهی داشـــته‌های یک دانش‌آموز، شخصی است که در بخش اســـتعدادها به آن پرداختیم، اما گاهی داشـــته‌ها تاریخی، فرهنگی، تمدنی هستند. این داشته‌های افتخارآمیز هویت‌بخش‌اند. تاریخ و فرهنگ ما آکنده از نقاط عطفی هســـتند که پرداختن به هریک از آن‌ها می‌تواند بر شخصیت و هویت دانش‌آموزان تأثیرات شگرفی داشته باشد.

۴. هویت جنسیتی او را به رسمیت بشناسید

دخترها و پســـرها هریک جزئی از عالم خلقت هستند و ناظر به ظرفیت‌ها و استعدادهای خود، تکالیف و بهره‌مندی‌هایی دارند. این هویت جنســـیتی باید به رسمیت شناخته شود، فرد متناسب با آن تربیت شود و ناظر به آن در جامعه ظهور و بروز داشته باشد. الگوی تربیتی پسرانه برای دختران، جز بحران هویت رهاورد دیگری ندارد و برعکس.

۵. افق روشنی پیش پای او بگذارید و به آینده‌ای که خودش آن را رقم خواهد زد، امیدوارش کنید

بســـیار مهم است که آحاد جامعه بدانند در قالب چه جریان کلی و حرکت کلانی زیســـت و نقش‌آفرینی می‌کنند. افراد اگر بدانند افق این حرکت تمدنی کجاست، جریان این حرکت به کجا ختم می‌شود و نقش هریک از آن‌ها در دستیابی به افق پیش رو چیست، هم بخشـــی از هویت آن‌ها شکل می‌گیرد و هم نقش خود را در جامعه، به‌عنوان جزئی از کل، بهتر ایفا خواهند کرد.

۶. مفاهیم عالی دینی و انسانی را برای او به‌درستی تبیین کنید

نباید دست روی دست بگذاریم تا مفاهیم عالی دینی و انسانی به مفاهیم نازلی تبدیل شوند و مرجعیت خود را به‌عنوان معیار سنجش خوب و بد از دست بدهند. معنویت، آزادی، عدالت، برادری، عزت، عقلانیت و مبارزه با ظلم بخشـــی از مفاهیم عالی دینی و انسانی هســـتند که تحریف یا فراموشی آن‌ها، چون زخمی ترمیم‌ناپذیر، خســـارت بزرگی را بر پیکرهٔ جامعه وارد می‌آورد. این مفاهیم همه فطری هستند و فارغ از اینکه به کدام آیین و مکتب و تفکر تعلق داریم، برای سعادت جامعه، لازم است آن‌ها را پاس بداریم.

۷. نسبت به ارزش‌ها در او گرایش ایجاد کنید

شـــاید بتوان ادعا کرد حلقهٔ مفقودهٔ ما در تربیت و هویت‌بخشی به نسل‌ها، ضعف نســـبی در ایجاد گرایش است. در برخی موارد، افراد نسبت به ارزش‌ها و هنجارها اطلاعات و دانش کافی دارند، اما نسبت به آن‌ها گرایشی در ذهن و قلبشان شکل نگرفته است. هنر معلم یا هر عامل هویت‌بخش دیگر می‌تواند این باشد که در قلب مخاطب خود، نسبت به ارزش‌ها و خیر در مقابل ضدارزش‌ها و شر، گرایش و علقه ایجاد کند. این گرایش سرانجام می‌تواند به عمل منجر شود و شخصیت و هویت فرد را سامان دهد.

۸. مفاخـــر و قهرمانـــان او را در هـــر عرصه به او بشناسانید

در نهایت، یکـــی از مهم‌ترین عوامـــل و عناصر هویت‌بخش، قهرمانان ملت‌ها هســـتند. ملت‌ها با قهرمانان و عقبهٔ افتخارآمیز خود به‌طرز محسوســـی احساس هویت و اعتمادبه‌نفس می‌کنند. معلمان هویت‌بخش آن‌هایی هستند که خود به زندگی افتخارآمیز قهرمانان دینی و ملی و علمی و غیره‌شان واقف‌اند و آن را نیز برای دانش‌آموزان خود زمزمه می‌کنند و از رهگذر این کار، به محصلان خود هویت و شخصیت می‌بخشند.

منبع

روح‌الله خمینی (ره) (۱۳۷۸). صحیفهٔ امام (ره). ج ۹. مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران.